

دکتر «مجید ابهری» / تبیین بیانات رهبر انقلاب در جمع مردم خراسان شمالی (۳)؛

تحدید خانواده، تهدیدی برای آینده‌ی کشور

گروه فرهنگی - اجتماعی برهان؛ «مقام معظم رهبری» در فرمایشات اخیر و مدبرانه‌ی خود در جمع مردم «خراسان شمالی» تحدید خانواده را به عنوان خطری جدی برای آینده‌ی کشور ذکر کردند و فرمودند با ادامه‌ی این رویه کشور در آینده با پدیده‌ی پیری جمعیت مواجه خواهد شد.

طبق فرمایش معظم له نسل جوان و تحصیلکرده‌ی ما سرمایه‌های اصلی کشور هستند که باید آن‌ها را حفظ کرد زیرا که همین نسل جوان با آمادگی و شوق و نشاط خود مشکلات را حل می‌کنند و جامعه را به سمت پیشرفت می‌برند. این مسئله چندیست موجب نگرانی جامعه‌شناسان و جمعیت‌شناسان کشور نیز شده است.

در این رابطه با «دکتر مجید ابهری» رفتارشناس و آسیب‌شناس مسائل اجتماعی و استاد دانشگاه تهران به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

با توجه به فرمایشات اخیر رهبری در مورد ضرورت توقف سیاست کنترل جمعیت و هشدار ایشان مبنی بر اینکه با ادامه این روند کشور به سمت پیری جمعیت پیش می‌رود و جامعه نشاط و پویایی خود را از دست می‌دهد؛ ابتدا با توضیحی راجع به پدیده‌ی پیری جمعیت بفرمایید چرا این مسئله تهدیدی برای آینده‌ی کشور به شمار می‌رود؟

پیری یکی از مراحل زندگی است و پیری جمعیت عبارت است از حرکت منحنی جمعیت به سوی سالمندی. با توجه به اینکه کشور ما یکی از جوان‌ترین کشورهای دنیاست، نگرانی صاحب‌نظران و کارشناسان در خصوص پیری جمعیت به علت کاهش مستقیم جمعیت و زاد و ولد می‌باشد. این مسئله مانعی بر سر راه پیشرفت کشور به شمار می‌آید. کاهش نیروی کار، افزایش ورود مهاجران خارجی به کشور، افزایش جمعیت سالمند کشور، افزایش بار اقتصادی دولت و... از مشکلاتی است که جامعه‌ی پیر را تهدید می‌کند. کاهش جمعیت نه تنها در حوزه‌ی اقتصاد، بلکه در عرصه‌ی امنیتی، نظامی و سیاسی نیز کشور را با مشکلات زیادی مواجه خواهد ساخت.

طی ۲ دهه‌ی اخیر، فرهنگی در کشور ما به وجود آمده است مبنی بر اینکه رشد جمعیت یعنی از دست دادن زمینه‌های توسعه و رشد اقتصادی یا به عبارتی کنترل جمعیت شرط مقدماتی توسعه و پیشرفت است. آیا از نظر شما این فرضیه صحیح است؟

درباره‌ی این فرضیه باید اقتصاددان‌ها صحبت کنند، اما از نگاه آسیب‌شناختی و رفتارشناختی باید عرض کنم در کشورهایی که دارای رشد کند یا منفی جمعیت هستند، مثل نروژ، سوئد، دانمارک و هلند، در حال حاضر دولت‌ها خانواده‌ها را تشویق به فرزندآوری می‌نمایند. برای مثال، در کشور ژاپن که خطر سالمندی جمعیت وجود دارد دولت به فکر افزایش جمعیت است. تدوین سیاست‌های اقتصادی

بر اساس «جمعیت بیشتر؛ زندگی راحت‌تر» می‌تواند جامعه را از سالمندی و حرکت به سوی میان‌سالی نجات دهد.

### الگوی مطلوب خانواده از لحاظ جمعیتی چیست؟ آیا ما می‌توانیم بپذیریم که مبانی ایدئولوژیک در طراحی این الگو تأثیر دارد؟

مخلوط نمودن باورها و ارزش‌های ایدئولوژیک با مسائل اجتماعی برای ما - که در تمام ابعاد زندگی دارای دستورات دینی هستیم - کار درستی است، اما مسئله‌ی افزایش خانواده و جمعیت با توجه به دستورات دینی باید منطبق با اصول فرهنگی و اجتماعی باشد؛ یعنی پدر و مادر خانواده هر ۲ با مشارکت باید قادر به تأمین نیازهای مادی و معنوی فرزندان باشند و سپس اقدام به فرزندآوری نمایند.

### آیا می‌توانیم بگوییم که در سیاست‌های قبلی کنترل جمعیت نگاه تک‌بعدی و اقتصادزده حاکم بود؟

بله، متأسفانه دولت‌های گذشته در تبیین و تدوین قواعد و مقررات اجتماعی کمتر نگاه ایدئولوژیک داشتند. با آنکه قانون اساسی ما برگرفته از قرآن کریم و باورهای دینی اصیل اسلامی می‌باشد، اما ناگهان شعار «۲ فرزند کافی است» یا «فرزند کمتر؛ زندگی بهتر» در جامعه پیچید و خانواده‌ها را تشویق به تک‌فرزندی و خودداری از فرزندآوری نمود. اگرچه طبق فرمایشات مقام معظم رهبری، این سیاست در ابتدای دهه‌ی ۷۰ لازم بود، اما ادامه‌ی این روند جامعه را با پدیده‌ی پیری جمعیت مواجه می‌سازد و مانعی بر سر راه پیشرفت کشور خواهد بود.

تشویق خانواده‌ها به خودداری از فرزندآوری ناشی از محدودیت‌های سیاسی و اقتصادی دوران جنگ یا بعد از آن بود، اما حرکت منحنی جمعیت به سوی سالمندی این زنگ خطر را به صدا درآورد که تا ۲۰ سال دیگر ایران دارای اکثریت جمعیت سالمند خواهد بود و در تأمین نیروی انسانی خود دچار مشکل می‌شود.

### در بحث دلایل رشد منفی جمعیت عوامل مختلفی دخالت دارند و یکی از آنها همین سیاست‌گذاری دولت در دهه‌ی ۷۰ بود، اما غیر از این مسئله هم می‌بینیم که هدف‌گیری‌های غرب در راستای کاهش جمعیت کشور ما بوده است و آن‌ها در این راستا از ظرفیت مسائل زنان در قالب ضرورت تحول در زندگی زنان استفاده کرده‌اند. تحلیل جناب‌عالی از این مسئله چیست؟

بعد از یک تجربه‌ی ۳۰ ساله در زمینه‌ی رفتارشناسی و آسیب‌شناسی اجتماعی میدانی و نظری به این نتیجه رسیده‌ام که هر گاه ما دنباله‌رو افکار غرب بوده‌ایم، از اهداف اصلی فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود دور شده‌ایم. غرب اگر تبلیغ تک‌فرزندی یا فرزند کمتر را می‌نماید، به این دلیل است که محدودیت جغرافیایی، محدودیت منابع اقتصادی و منابع خدادادی و ضعف باورهای ارزشی باعث شده است که از جمعیت زنان در جامعه به عنوان نیروی کار استفاده گردد.

هرچند ما در جامعه‌ی خود نیروی ارزنده و ارزشمند زنان را کم‌رنگ ندانسته‌ایم، اما تصور می‌کنم تبلیغ بهترین مشاغل برای زنان وظیفه‌ی مادری و همسری آنهاست که خطرترین وظیفه‌ی اجتماعی است. از آنجا که زنان دعوت به مشارکت جدی در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی شده‌اند، تک‌فرزندی رونق و قوت گرفت و به طور عملی و کاربردی در خانواده‌های ایرانی اعمال شد.

تأثیرپذیری مسئله‌ی کنترل جمعیت، معیارها و اهداف غربی آن چه مشکلاتی را برای جامعه‌ی ما به وجود آورده است؟ آیا صحیح است که مشکلات جمعیت‌شناختی آن سوی مرزها جهت‌گیری‌های کلان نظام ما را تعیین کند؟

ما در الگوبرداری از رفتارهای اجتماعی نباید کشورهای غربی را نماد رفتار اجتماعی خویش قرار دهیم، چرا که ما در تمام ابعاد اجتماعی و زندگی دارای الگوهای اسلامی می‌باشیم. تشویق خانواده‌ها به خودداری از فرزندآوری ناشی از محدودیت‌های سیاسی و اقتصادی دوران جنگ یا بعد از آن بود، اما حرکت منحنی جمعیت به سوی میان‌سالی و سالمندی این زنگ خطر را به صدا درآورد که تا ۲۰ سال دیگر ایران دارای اکثریت جمعیت سالمند خواهد بود و در تأمین نیروی انسانی خود دچار مشکل می‌شود.

هر گاه ما دنباله‌رو افکار غرب بوده‌ایم، از اهداف اصلی خود دور شده‌ایم. غرب اگر تبلیغ تک‌فرزندی یا فرزند کمتر را می‌نماید، به این دلیل است که محدودیت جغرافیایی و محدودیت منابع اقتصادی و خدادادی و همچنین ضعف باورهای ارزشی آن سبب شده است که از جمعیت زنان در جامعه به عنوان نیروی کار استفاده کند.

آیا می‌توان رفاه‌طلبی و اصل قرار گرفتن لذت را دلیل اصلی بی‌رغبتی خانواده‌ها برای فرزند بیشتر دانست؟

گرایش به اشرافی‌گری و رفاه‌طلبی اصل زیربنایی خانواده‌های تک‌فرزند می‌باشد. آنها می‌گویند همین یکی را درست تربیت کنیم برای ما کافی است. منظور از تربیت کردن چیست؟ ما ۶ خواهر و برادر بودیم، همه دارای تحصیلات عالی‌ه‌ی دانشگاهی هستیم و تصور نمی‌کنم بی‌تربیت بار آمده باشیم. این هنر والدین است که فرزندان خود را مطابق با معیارهای تربیتی بزرگ می‌کنند. بنابراین اینکه ما بخواهیم تمام لوازم و اسباب رفاهی را برای یک فرزند فراهم کنیم او را رفاه‌زده، جامعه‌گریز، اشرافی طلب، راحت‌طلب و انسان‌گریز بار می‌آوریم.

بنابراین رفاه‌طلبی و زندگی اشرافی، که در دهه‌ی ۷۰ محور تبلیغات فرهنگی بود، یکی از دلایل اصلی خانواده‌ها برای تک‌فرزندی به شمار می‌رود. در شرایط امروز فراهم نبودن زیرساخت‌های ضروری، ما را از تبلیغ فرزندآوری منع می‌کند، چرا که برای افزایش جمعیت، رشد زیرساخت‌ها و ارکان آموزش و

پرورش، بهداشت، رفاه و نشاط اجتماعی اصول ضروری می‌باشند. بدون محورهای یادشده، تبلیغات برای فرزندآوری منجر به افزایش جمعیت غیرفرهنگی خواهد شد.

چه آسیب‌های اخلاقی و تربیتی خانواده‌های کم‌جمعیت، به ویژه تک‌فرزند، را تهدید می‌کند؟

در ۲ بُعد می‌توان این آسیب‌ها را ارزیابی کرد. بُعد اول مربوط به والدین می‌شود. مشکلاتی که بعد از اولین زایمان به سراغ بانوان می‌آید و فاصله افتادن بین زایمان‌ها مشکلاتی است که باید از متخصصان درباره‌ی آن‌ها سؤال شود. بُعد دوم از نگاه رفتاری است. داشتن یک فرزند، خانواده را به خانواده‌ای فرزندسالار تبدیل می‌کند.

در حال حاضر، خانواده‌های شهری ما خانواده‌هایی فرزندسالار هستند؛ یعنی حکومت رفتاری در خانواده‌ها به دست فرزندان می‌باشد. والدین از نظر عاطفی تمام منابع عشقی و عاطفی خود را خلاصه در یک فرزند می‌نمایند و خدای‌نکرده اگر مشکلی برای آن فرزند پیش بیاید، گسست زندگانی والدین قطعی است. خانواده‌های تک‌فرزند فرزندان منزوی و گوشه‌گیر دارند که دچار ضعف مهارت در برقراری ضوابط اجتماعی هستند و بیشتر به بازی‌های یک‌نفره پناه می‌برند. این خانواده‌ها فرزندان را تربیت می‌کنند که طلبکارانه با اعضای جامعه برخورد می‌نمایند. بنابراین تک‌فرزندی از نگاه رفتاری هم زیان‌هایی برای والدین و هم زیان‌های مستقیمی برای فرزندان دارد که در مورد آن‌ها می‌توان ساعت‌ها بحث کرد.

رفاه‌طلبی و زندگی اشرافی، که در دهه‌ی ۷۰ محور تبلیغات فرهنگی بود، یکی از دلایل اصلی خانواده‌ها برای تک‌فرزندی به شمار می‌رود.

آسیب‌های اجتماعی مانند فقر و کج‌روی‌های دیگر چقدر تابع جمعیت و چقدر تابع عوامل دیگر است؟ برخی معتقدند هر چه جمعیت بیشتر باشد این معضلات هم بیشتر خواهد بود.

در بررسی آسیب‌های اجتماعی، فقر، بیکاری و مشکلات مالی اصلی‌ترین محورها به شمار می‌روند، اما با توزیع عادلانه‌ی ثروت در جامعه و گسترش عدالت اجتماعی می‌توان سرمایه‌ی جامعه را طوری تقسیم نمود که اصول اقتصادی عامل اصلی برای تولید و گسترش آسیب‌های اجتماعی نباشند؛ یعنی وقتی کسی دارای کار و درآمد مناسب باشد، دست به دزدی یا رفتارهای بزهکارانه نمی‌زند و توانایی اقتصادی مانعی می‌شود در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی مرتبط با مسائل اقتصادی.

امروز پس از سال‌ها، شعار معروف «فرزند کمتر؛ زندگی بهتر» در ذهن مردم جا افتاده است. چگونه می‌توان این تصور را در ذهن مردم تغییر داد؟

وقتی یک شعار به عنوان نماد رفتاری در جامعه قرار می‌گیرد، تغییر یا جایگزین ساختن آن نیازمند کارهای زیربنایی می‌باشد. اصلی‌ترین عامل برای خانواده‌های نوپا و جوان در راستای خودداری از فرزندآوری، مشکلات اقتصادی مثل مسکن و درآمد یا زیرساخت‌های اصلی مثل بهداشت یا آموزش و پرورش می‌باشد. رسانه‌های گروهی، آموزش و پرورش، نهادهای متولی فرهنگی و مسئولین با ایجاد امکانات ازدواج، کمک به والدین دارای بیش از یک فرزند، مثل ایجاد مهدکودک رایگان و بهداشت و درمان رایگان تا سن ۷ سالگی و فراهم ساختن آموزش و پرورش مناسب می‌توانند به طور عملی جامعه را به سوی فرزندآوری هدایت کنند.

در واقع وقتی همه‌ی محورهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی همسو با یکدیگر حرکت کنند، زیرساخت‌های ضروری فراهم می‌شوند. در واقع باید سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی در رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی تبلیغ شود و امکانات مادی و اقتصادی در راستای کمک به خانواده‌های نوپا برای فرزندآوری تبیین و تدوین گردد.

اعطای مسکن رایگان یا ارزان، کمک‌های شغلی به مادران شاغل، مرخصی‌های بلندمدت، دورکاری، کمک‌های غیرنقدی، مهدکودک رایگان، شیر خشک یا پوشک و اعطای مرخصی و امتیازات مالی به پدران دارای بیشتر از یک فرزند می‌تواند جمعیت جامعه‌ی ایران را از سالمندی نجات دهد، اما وقتی هیچ‌گونه کمک مالی از سوی دولت یا نهادهای متولی به خانواده‌های دارای بیش از یک فرزند صورت نگیرد، هر گونه شعار، تبلیغ یا سیاست در زمینه‌ی افزایش جمعیت با شکست و ناکامی مواجه خواهد بود.

با تشکر از اینکه وقت خود را در اختیار «برهان» قرار دادید.

تهیه و تنظیم: مریم عسگری‌پرور.

---